

سهم شهريار از حكومت

(اين نوشتار به وحى الهى است)

ما پروردگار عالم هستی در نوشتاری که با فرزندان شهریار ولی منیگاریم سهمی را که در حکومت آینده برایش در نظر گرفته ایم بررسی میکنیم. شهریار ولی صاحب روحیه ای ست که میتوان آنرا مهرورز و انساندوست خواند و این درست برعکس حالتی ست که بآن مستبدانه میگویند. از شهریار ولی هرگز نمیتوان یک مستبد ساخت زیرا خمیرمایه ای که استبداد مطلب در او موجود نیست. با اندکی بررسی در روحیه مستبدان عالم چند خط شخصیتی در وجودشان هویدا میگردد که از میان آنها به دو خط خاص میپردازیم. یکی از آنها خودبینی ست بترتیبی که فرد خودبین دیگران را بیمایه و فاقد صلاحیت میداند و تنها به انانی بها میدهد که بی چون و چرا در خدمتش بوده از خود اراده ای برای تصمیم گیری نداشته باشند. اینگونه خاصیت را در افرادی چون هیتلر و موسولینی و نیز در ملایانی که بر ایران حکومت کردند میتوان سراغ داشت. نوکرپروری نیز در امتداد همین خاصیت است، کاری که در خمینی و خامنه ای و دیگر مستبدان تاریخ بنحو روشن دیده میشد. دوم تخدیر توده هاست روشهایی که در کارکرد تمامی مستبدان تاریخ بچشم میخورد تا جائیکه برای پی ریزی چنین امری همواره برنامه هایی مدون داشته و دارند. از جمله این روشها بکارگیری ایدئولوژی های افراطی ملهم از کمونیسم و مارکسیسم یا اسلام آخوندی و نیز ترفندهایی چون گسترش فقر و فساد و اعتیاد و دیگر معضلات اجتماعی ست. ترس انگیزی نیز ترفندی ست که همراه با تخدیر در سطح وسیع برای ساکت نگهداشتن مردمان بکار گرفته میشود. این سیاستها فاصله بین رهبران جامعه و مردمی را که تحت رهبری هستند روز بروز بیشتر میکند تا جائیکه بمرور ملتهای تحت ظلم توسط حکومتگران بعنوان دشمن در نظر گرفته شده دایره دوستان برایشان تنگ و تنگتر میگردد. شهریار ولی خدایگانی ست که از اینگونه خصلتها مبرا است و نوع رهبری که ارائه میدهد از طرفی الهام گرفته از پیامبران و از طرف دیگر پادشاهان دادگر میباشد. اگر بتوان برای تمام جوامع عالم نمونه و الگویی برای رهبری جستجو کرد آنرا باید در وجود شهریار ولی یافت.

عشقهایی که در دل دارید میباید در برابر عشق به شهریار ما رنگ بازند تا
سعادت ابدی قرین و همراه شما گردد. عالم اینرا بداند...